

ابهام حقوق ایران در ارتباط با مرجع رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ

دکتر محسن صادقی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

موج

دامپینگ^۱، به عنوان یکی از بارزترین مصادیق رقابت غیرمنصفانه در تجارت بین الملل زمانی رخ می دهد که صادرکننده خارجی، کالایی را در بازار کشور دیگر به قیمتی پایین تر از قیمت فروش همان کالا در بازار داخلی خود به فروش رساند. این خطر جدی، مورد توجه سازمان جهانی تجارت نیز قرار داشته است؛ از این رو ۱۵۳ کشور عضو سازمان تجارت جهانی هم به مقابله با دامپینگ توجه داشته و هم مرجعی تخصصی برای رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ اختصاص داده اند و مراد از دعاوی ضد دامپینگ، دعوایی است که از سوی ذی نفعان آن یعنی تولیدکنندگان داخلی کالای مشابه یا اتحادیه صنفی ایشان یا دولت به نیابت از آنها، علیه دولت خارجی، تولیدکنندگان یا صادرکنندگان خارجی محصول مورد تحقیق یا واردکنندگان آن محصول یا تشکل ذی ربط آنان، به منظور وضع عوارض موقتی یا نهایی ضد دامپینگ اقامه می شود.

قانونگذار کشور ما نیز -برغم عدم عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت - با عنایت به عضویت ناظر در این سازمان^۲ و لزوم تلاش برای عضویت رسمی در آن، در مرداد ماه سال ۱۳۸۶ در قالب تصویب نامه ای با عنوان «تصویب نامه در مورد پیش بینی تدابیر و اقدامهای حفاظتی، جبرانی و ضد دامپینگ برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی»، مرجعی برای رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ اختصاص داده است اما در کمال شگفتی در بهمن ماه همان سال، در قانونی دیگر تحت عنوان «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراء سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» مرجعی متفاوت و با ترکیبی متفاوت را برای رسیدگی به این دعاوی مقرر داشته و این سوال را مطرح کرده است که با عنایت به دو مستند قانونی فوق، رسیدگی به این دعاوی، در صلاحیت کدام مرجع است؟ آیا قانونگذار - که مطابق یک اصل حقوقی باید او را قانونگذاری عاقل انگاشت - در عرض چند ماه، مقرر ای مغایر با مقرر قبلی وضع کرده است و لذا باید قانون مصوب بهمن را ناسخ قانون مصوب مرداد دانست؟ آیا قانونگذار

^۱ - Dumping.

^۲ - ایران در ۵ خرداد ۱۳۸۴ به عضویت ناظر سازمان تجارت جهانی درآمده است. عضو ناظر، عضوی است که حق شرکت در نشستهای سازمان را دارد ولی حق رای نه.

بدون توجه به مصوبه مرداد ماه، مقرر به بهمن را وضع کرده و در این راه غفلت ورزیده است؟ آیا می توان میان این دو مقرره ظاهراً متعارض، جمع کرد؟ علت طرح این سوالات و در حقیقت، ریشه این ابهام نیز به این باز می گردد که از یکسو، دعوای ضد دامپینگ قاعدتاً باید در صلاحیت مرجع مقابله با دامپینگ باشد و از سوی دیگر، اثر دامپینگ می تواند رقابت در بازار را مختل کرده و یکی از مصادیق اقدامات ضد رقابتی تلقی گشته و از این حیث، در صلاحیت شورای رقابت باشد. برای ارائه پاسخی مناسب به سوالات فوق و رفع ابهامات مذکور، در این گزارش رسانه ای، جایگاه موضوع در حقوق ایران بررسی خواهد شد. در پایان نیز راهکاری روشن و کاربردی به گروههای ذی نفع و بهره بردار پیشنهاد خواهد گردید. نتایج حاصل از این گزارش می تواند قانونگذار را در شناسایی نارسایی موجود و تلاش برای رفع آن و ترسیم وضع مطلوب و اصحاب دعوی را در آشنایی با مرجع رسیدگی به دعوای ضد دامپینگ در ایران و رفع سردرگمی موجود یاری کند بویژه آنکه الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت و کاهش تعرفه ها ممکن است کشور ما را با حجم وسیعی از واردات دامپ شده روبرو ساخته و از این رو صنایع داخلی ایران به عنوان زیاندیدگان احتمالی این واردات باید از هم اکنون با مرجع صالح رسیدگی به دعوای ضد دامپینگ آشنا باشند زیرا وجود این ابهام در نظام حقوقی کشور، با اصل حمایت کارا و معقول از صنایع و تولیدات ملی ناسازگار است.

بعد از ذکر این مقدمه، ضروری است تا رابطه بین این دو مصوبه ظاهراً متعارض را بررسی و تکلیف آن را رد حقوق ایران روشن کنیم: در بررسی رابطه میان این دو مصوبه، سه نظر به ذهن می رسد. بر این اساس، مطالب این قسمت را در سه بند ارائه خواهیم داد: در بند الف، نظریه نسخ جزئی و در بند ب، نظریه نسخ کامل را تبیین و آنها را نقد خواهیم کرد و در بند ج، نظریه برتر را تبیین خواهیم نمود:

الف) استفاده از نظریه نسخ جزئی: بر اساس این نظریه، رسیدگی به دعوای ضد دامپینگ بکلی از صلاحیت شورای رقابت خارج است بدین ترتیب که بگوییم: شورای رقابت وظیفه رسیدگی به کلیه رویه های ضد رقابتی را دارد بجز دامپینگ که بر عهده کارگروه ضد دامپینگ است. اگر هم بخواهیم همچنان بر صلاحیت شورای رقابت بر دعوای ضد دامپینگ پابرجا بمانیم این تفسیر را ارائه دهیم که دعوای ضد دامپینگ به دو دسته تقسیم می شوند: دسته نخست دعوای ای هستند که در آن فقط گروه بسیار خاص و

محدودی لطمه می بینند در این حالت، کارگروه ضددامپینگ صالح به رسیدگی است؛ دسته دوم دعاوی ای هستند که در آنها گروه بسیار زیادی در بازار لطمه می بینند یعنی لطمه کاملاً جدی و گسترده است بگونه ای که رقابت در بازار بنحو اساسی مختل شده است. در این حالت، شورای رقابت صالح به رسیدگی است.

ب) استفاده از نظریه نسخ کامل: طبق این راهکار، مصوبه ۱۳۸۶ بطور کامل توسط قانون اجرای سیاستها نسخ کامل شده است و دعاوی ضددامپینگ در صلاحیت شورای رقابت است لذا راهکار نخست برغم برخورداری از استدلالات قوی و منطقی قابل پذیرش نیست چرا که بند د ماده ۴۵ قانون سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، دامپینگ را یکی از رویه های ضدرقابتهای و صدر ماده ۶۲ این قانون، تنها مرجع رسیدگی به رویه های ضدرقابتهای را شورای رقابت اعلام می کند؛ ماده ۹۲ نیز مقرر می دارد: « از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن نسخ می گردد... ». بر این اساس، دیگر جایی برای کارگروه ضددامپینگ باقی نمی ماند. ضمن اینکه بند ۱ ماده ۵۸ تشخیص مصادیق رویه های ضدرقابتهای را بر عهده شورای رقابت گذاشته است و اطلاق این بند بگونه ای است که شامل دامپینگ هم می شود و دلیلی بر خروج دعاوی ضددامپینگ از صلاحیت شورای رقابت دیده نمی شود. وانگهی، در حال حاضر و در رویه عملی، شورای رقابت در چند پرونده راجع به دامپینگ مداخله و اظهارنظر نیز کرده است که از جمله می توان به پرونده سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی (کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات) در نیمه دوم سال ۱۳۹۰ اشاره کرد.

ج) نظر برتر: بر طبق نظر سوم که نظر پیشنهادی این گزارش است، می توان، میان هر دو مصوبه جمع کرد و هر دو را قابل استناد دانست اما نه بر اساس دلایل مطرح در بند الف این قسمت (یعنی نسخ ضمنی) بلکه به دلیل زیر: در حقوق ایران و در شرایط فعلی و تا قبل از اصلاح قانون، دو مرجع برای رسیدگی به دعاوی ضددامپینگ صالح به رسیدگی هستند که ذینفع می تواند به هر دو مرجع مراجعه نماید ولی هر مرجع اختیارات قانونی متفاوتی دارند: بدین ترتیب که کارگروه ضددامپینگ فقط می تواند طبق مصوبه هیات وزیران، عوارض موقتی یا نهایی ضددامپینگ وضع کند و حق اعمال سایر ضمانت اجراها را ندارد ولی شورای رقابت طبق ماده ۶۱ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، هرگاه شورا پس از وصول شکایات یا انجام تحقیقات لازم احراز کند که یک یا چند مورد از

رویه‌های ضد رقابتی این قانون توسط بنگاهی اعمال شده است، می‌تواند حسب مورد یک یا چند تصمیم متفاوت دیگر از موارد ۱۲ گانه مذکور در این ماده (از جمله جزای نقدی) را اتخاذ کند. بنابراین در جایی که ذی نفع به دنبال رسیدن به ضمانت‌اجراهایی مثل اعمال جزای نقدی بر دامپینگ کننده است، باید به شورای رقابت مراجعه کند اما در جایی که در صدد نیل به وضع عوارض موقتی و نهایی ضد دامپینگ مثل افزایش تعرفه‌های ورودی بر محصول دامپ شده و اعمال آن توسط گمرک است، باید به سراغ کارگروه ضد دامپینگ برود.

بی تردید با عنایت به ابهام موجود در حقوق ایران، بهترین راهکار، تلاش برای اصلاح قانون است؛ بر این اساس پیشنهاد می‌شود قانونگذار با اضافه نمودن تبصره‌ای به ماده ۶۲ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ را صراحتاً به کارگروه مندرج در مصوبه هیات وزیران تفویض نماید. واگذاری رسیدگی به این دعاوی به شورای رقابت هم با رویه حقوقی بسیاری از کشورها ناسازگار است و هم می‌تواند اشکالاتی در رسیدگی تخصصی و سریع به این دعاوی ایجاد کند. اما تا قبل از اصلاح قانون، می‌توان یک راهکار کوتاه مدت ارائه کرد و آن اینکه هر دو مصوبه معتبر باقی می‌مانند و ذی نفع اختیار انتخاب یکی از دو مرجع با ضمانت‌اجراهایی با جنس متفاوت یا مراجعه به هر دو را دارد.